

جهان بی تو «الف» ندارد.  
رضا عجفی از برد: استاد کاوی هم رفت. پس کی می خواهد بادی از نوایع و بزرگان کنید؟ مسلماً چیز بادی از ناصر تقاضای نمی کنید که بازده سال است فیلم نمی سازد یا بهمن فرمان ازا و رخشن بنی اعتماد که سال هاست در برای نهالیات و بیمه‌ها سکوت کردند و گوش‌نفشن شدند.  
یوسف داشمند از تبریز: تعداد محظه‌های قدر فیلم‌های ایرانی را کم کنید و به فیلم‌های خوب خارجی بپردازید. بینود بروی لیستکل و شوالیه سیاه بر پری خیزد و هایت و حتی هری پایتر از سال قبل قابل بخشش نیست.  
رامین رحمانی از اردبیل: نوشتة نیما حسنی نسبت در مورد مهران مدیری در شماره ۴۵۶ سپتامبر بدینهانه بود. به این شکل بکثره قضاوت کردن انصاف نیست. این نوشتة نه تنها بدینهانه بود بلکه پر بود از نیش و کنایه.  
شروعین ج از شیراز: «کتاب سال» امسال یک فاجعه بود پر از غلطاهای املایی و دستوری، فرصن اندک و شتاب در کار را هم بهانه نکنید.  
رامک اخوان از رشت: خوب بود اگر فمحاطه را که به معنی فیلم‌های کلاسیک اختصاص می‌دهید بیشتر می‌شد از بررسی سریال ها و تلغیتمان خواهد بود.

پیام‌های شمار سید، متشکریم

پوریه‌هامی شیراز؛ علی رمضانی از روماهن، میلاد فتحی، رضا پاک‌نژاد، منوچهر افشاری، علیرضا وحدانی، مرتضی میناوند، خ. لیلا روین، ریتا شفیعی، روزبه ب. بهروز داوری از تهران، ابرار از مشهد، علی حبیب از هواز، کبوسان موسوی از ساری، پاشایی از ملایر، رسول جهان بزرگی، محمد طاهری، کیوش کیانی از کرج، علیرضا عاملی اعلی از ارسنجان، اسامیل شهبازی از اراک، محمد دلاور لارستان، مجید پهلوانی از همدان، رسول محمدی از شیراز، فرهاد درمنی از گرگان، داده اسدی از قائم شهر، حمیده هریزجی از تبریز، علی جلیلیان از اصفهان، بهروز داوری از رشت، جلال والی، █

یدیهزاده هندی از تهران: آقای دادوی  
شماره ۴۵۵ کالاری بهختی را لو  
بن داستان فیلمها نوشته اما خودش  
نم ناخواسته پایان فیلم عشق را لو  
ده است. من تا فیلمی را ندیده باشم  
دیده و یادداشت‌های مریبو به فیلم را  
می خوانم، اما گمان نمی کردم خواندن  
داشت‌های خشت و آینه بیز این  
ونه باشد دو مفهوم «فاشیک»، «همه  
لایل خوانندگان، در شماره نوروزی  
جله حرف شد و تنهای را سایت مجله  
ار گرفت، مقصیر اصلی می خواهندگان  
دم که سوسنی تکاوری سهلی الوصول  
دید و به چیزی نوشتن مطالب جان دار  
باشند و لذتگیری فرستادیم.  
حمدار صورت میرایی از قسم: بیشتر  
دهمای مجله تبلیغ کاریابی و خوب  
ست. اما فکر نمی کنید بعیی نوشته‌ها  
شتر به کامنت‌های اینترنیت مردم  
ادی پهلوی می زند؟ مثلاً منتقدی  
بر تعریف چندخطی فیلم مورد  
بها پیغامداران تلقای فرقاستادیم.  
لائق‌باش با اوردن عنوان استاد برای  
ارگ‌رگان آن و فوق‌زدگی ناشی از  
سینم فیلم جدید به دلایل خندهدار  
پیام را شاهکار می داند. در هر حال  
مجله «فیلم» بیشتر نظرخواه دارد.  
حسید مرادی از شیراز: برای سال  
نیزی با ماهنامه شما آشنا شدم. البته  
سازمانهای دیگر مجله را دیدم، اما با  
کمی از اینها بخوبی شرکت نمایم.

دوست تازه باقیه غریب، با سپاس از  
هلهار لطف شما، ماهنامه «فیلم» جایی  
ای جای داستان نسدارندگ موارد  
ایستادنی است این نویسندهان  
چجه و خون خاندنگان.

مادی صادقی از شهریار، لطفاً برondemai  
ر مرور فیلم‌های تاب آبریان (فیلم‌هایی  
که با اکران نشدماند با اکران محدودی  
اشتند و هچ نسخهای از آنها در بازار  
وجود نیست) ترتیب دهد.

شماره ۳۹۹-۴۰۰ فیلم‌های اکران نشده  
هه آخر سینماتوگرافی ایران بود.

ولی به پله آخر با این که در رده های  
بعدی بود هم بیش تر پرداختید و هم  
تقدیمهای تحسین آمیز بیش تری داشت.  
**صفحة** «نقد خواندنگان» عالی است.  
دستمزد میرزا زاد به رضا کاظمی، به نظر  
این صفحه به کل مجله تنوع دارد.  
هم چنین خواندنگان جدی مجله را  
در نقد مشارکت می دهد. کسی چه  
می داند کدامیک از این خواندنگان  
نویسنده ساله ای انسنه در مجله  
خواهد بود. به نظر سعد «۹۱»  
سد پریاری نبود، البته شهزاد  
رحمتی دلال آن را گفته بود.  
نونکس صفحه گفت و گویی شهاب  
حسنی و نگار جواهیران را روی جلد  
می گذاشتند! هر چند این روی جلد  
با وجود ماهی، سیزده گره زده و لباس  
گل دار جواهیران خوب بود. در تعیین  
از این نکته که چه طور نویسندهان  
«چههرهای ۹۱» دقیقاً همان کسانی  
بودند که انتظار داشتیم آن چه رهار  
تصویف کنند، مثل مشوشه گلمکانی  
(خواوه دادونگان)، رضا کاظمی (بهرام  
تولکی)، امیر بوریا (لوون هفتون).  
منصوره روشنایی از رگان:  
سمهاره و پرۀ سوروز پس ایار عالی بود،  
از این رهار نمی داشت. بهارهها مل  
همشیه دلن شنین بودند و لذت بخش،  
به خصوص بهارههای تورانی، پوراحدم.  
محمد شهزاد و استه شروش صحت.  
**«جشنواره کوچک من» و نویسنده زیبای  
قوشتندی!**

بیام‌های دیگر

عین الله نسروزی: من ملعول ضایعه  
نخاعی هستم چهار سال است به خاطر  
از ازواجا سرگرم مطالعه مجله شما بودم، اما  
حال به خاطر هزینه بالای نشریه تمدید  
اشتراک پرایم سخت شده، چون با چهار  
نفر علایه از راه مستمری بهزیستی امara  
معاش می کنم.  
- دوست عزیز، متاسفانه بخش  
اعمدایی در لابلای راقن هزینه های  
اشتراک جاذزاً قیمت و حشتناک گذاشت.  
پنهان نصرتی از شیراز: خداوکیلی  
ذلتی بخش ترین قسمت خانه‌گاتکی که  
اصل‌اکستگی ندارد، گردگیری ارشیو  
مجله «فیلم» است که همه شوق زندگی  
من است.

تعتیف از کردستان: تا کی می خواهید  
درباره کیم کی گوک مطلب نتوسید؟ ما  
که آم اورده، شما رانمی دامم.  
آلبینی از ادایان: چرا این قدر از عادل  
فردوسی بورمی نویسید؟

به خاطر این جلد خوش‌آبروگ و  
دوس داشتنی تشکر می کنم. با این  
شروع خوب امیدوارم سال جدید سالی  
پر از موقوفیت برای ماهنامه «فیلم»  
باشد.

سمیمه از شیراز: بهاریهای امسال  
فوق العاده بود، مخصوصاً بهاریه کیومرث  
بواحدم که حس جیبی به من داد.

حواد طحانز زاده از ناچن: کاش  
جهانیخش نویاری با به کار نبردن کلمه  
نادرست مموع‌البازی (استاده) از کلمه  
فارسی بازی با الف ولام) نقد و تحلیل  
زیبایان را بر قاعدة تصاویر دشمنان  
نمی کردم.

آرش کریمی: بهاریه سروش صحت هم  
بهجا بوده بازه قیچه چنگی به دل  
نمی‌زند همان بادش بخیر سنسنا فلور  
و دیاموند و بول بیلت تداشتن و بدر و  
بادر مخالف سینما رفتن بودن و عیدی  
دو تونیم... بهاریه بهروز نویاری هم خوب  
بود، اصلاً خوب می نویسد رضا کاظمی